

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ٧٦٩ هجرى قمرى

ترجمه، تحقيق، تفريغ أحاديث و بيان دلائل:

سيد مسلم تفت دار

مدرسه اميريه

جزيره قشتم – گياهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَصَلِّ [فِي كَيْفِيَّةِ الْغُسْلِ]:

يَبْدَأُ الْمُغْتَسِلُ بِالتَّسْمِيَةِ^۱ ثُمَّ يَزَالُهُ قَدْرًا^۲ ثُمَّ وَضُوءٍ كَوْضُوءِ الصَّلَاةِ، ثُمَّ يُفِيضُ الْمَاءَ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثًا^۳ نَاقِبًا رَفَعَ الْجَنَابَةَ أَوْ الْحَيْضَ أَوْ اسْتِبَاحَةَ الصَّلَاةِ^۴ وَيُحَلِّلُ شَعْرَهُ، ثُمَّ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ ثَلَاثًا، ثُمَّ الْأَيْسَرِ ثَلَاثًا^۵.

۱. عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَانَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ، بَدَأَ فَعَسَلَ يَدَيْهِ، ثُمَّ يَتَوَضَّأُ كَمَا يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ. بخاری ۲۴۸

رسول الله صلى الله عليه وسلم هرگاه غسل جنابت می‌زد شروع می‌کرد و دستانش را می‌شست، سپس وضو می‌گرفت همانند وضوی نماز.

در حدیث بیان شد که وضو همانند وضوی نماز می‌گرفت و در حدیث ۷۸ نسائی گذشت که در ابتدای وضو "بسم الله" گفته شود.

۲. عَنْ مَيْمُونَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَتْ: «تَوَضَّأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ، غَيْرَ رِجْلَيْهِ، وَغَسَلَ فَرْجَهُ وَمَا أَصَابَهُ مِنَ الْأَدَى، ثُمَّ أَقَاصَ عَلَيْهِ الْمَاءَ، ثُمَّ نَحَى رِجْلَيْهِ، فَغَسَلَهُمَا، هَذِهِ غُسْلُهُ مِنَ الْجَنَابَةِ». بخاری ۲۴۹

رسول الله صلى الله عليه وسلم وضو گرفت آن وضویی که برای نماز می‌گرفت غیر از دو پای خویش. و شرمگاه خویش و آنچه از آلودگی به آن رسیده بود را شست. سپس بر روی خویش آب ریخت. سپس دو پایش را (از آن مکان) دور گرفت و آن دو را شست. این غسل جنابت ایشان بود.

۳. عَنْ عَائِشَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَانَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ، بَدَأَ فَعَسَلَ يَدَيْهِ، ثُمَّ يَتَوَضَّأُ كَمَا يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ يُدْخِلُ

غسل زنده با بسم الله آغاز می کند؛ سپس به از بین بردن آلودگی؛ سپس وضو مانند وضوی نماز؛ سپس سه بار بر سرش آب می ریزد در حالی که نیت برطرف کردن جنابت یا (برطرف کردن) حیض یا (نیت) مباح کردن نماز (می کند). و مویش را خلال می کند؛ سپس بر سمت راستش سه بار و بر سمت چپش سه بار (آب می ریزد)؛

أَصَابِعُهُ فِي الْمَاءِ، فَيُخَلَّلُ بِهَا أُصُولَ شَعْرِهِ، ثُمَّ يَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثَ عُرْفٍ بِيَدَيْهِ، ثُمَّ يُفِيضُ الْمَاءَ عَلَى جِلْدِهِ كُلِّهِ. بخاری ۲۴۸

رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه غسل جنابت می زد ابتدا دو دست خویش را می شست سپس وضویی همانند وضوی نماز می گرفت. سپس انگشتان خویش را داخل آب فرو می برد و با آن اصول و ریشه های موی خویش را خلال می کرد. سپس با سه کف از دو دستان خویش، آب بر سر خویش می ریخت. سپس آب را بر تمام پوست بدنش می ریخت.

۴. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. بخاری ۱، مسلم ۱۹۰۷
قطعا اعمال به نیت بستگی دارد.

۵. عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: «كُنَّا إِذَا أَصَابَتْ إِحْدَانَا جَنَابَةً، أَخَذَتْ بِيَدَيْهَا ثَلَاثًا فَوْقَ رَأْسِهَا، ثُمَّ تَأْخُذُ بِيَدِهَا عَلَى شِقِّهَا الْأَيْمَنِ، وَبِيَدِهَا الْأُخْرَى عَلَى شِقِّهَا الْأَيْسَرِ». بخاری ۲۷۷

هرگاه به یکی از ما (ازواج رسول الله صلی الله علیه وسلم) جنابت می رسید با دو دستش سه بار آب را برمی داشت و بالای سرش (می ریخت). سپس با دستش آب را (جهت ریختن) بر سمت راستش برمی داشت و با دست دیگرش آب را (جهت ریختن) بر سمت چپش برمی داشت.

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ، غَسَلَ يَدَيْهِ، وَتَوَضَّأَ وَضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اغْتَسَلَ، ثُمَّ يُخَلَّلُ بِيَدِهِ شَعْرَهُ، حَتَّى إِذَا ظَنَّ أَنَّهُ قَدْ أَرَوَى بَشَرَتَهُ، أَفَاضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ غَسَلَ سَائِرَ جَسَدِهِ». بخاری ۲۷۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه غسل جنابت می زد (ابتدا) دو دستش را می شست و وضویی همانند وضوی نماز می گرفت سپس غسل می زد سپس با دست خویش موهای خویش را خلال می کرد تا وقتی که یقین حاصل می کرد که پوست خویش را کامل آب رسانده، سه بار بر بدن خویش آب می ریخت. سپس سایر بدن خویش را می شست.

وَيَتَعَهَّدُ مَعَاظِفَهُ، وَيَذُلُّكَ جَسَدَهُ.^٦

و در خم شده‌ها و پیچیدگی‌های (بدن)ش (مانند زیر بغل، طبقات شکم، پشت آرنج و انگشتان و کاسه‌ی زانو) دقت می‌کند؛ و بدنش را دست می‌کشد (مالش می‌دهد).

وَفِي الْحَيْضِ تُتْبَعُ أَثَرُ الدَّمِ فِرْصَةَ مِسْكِ^٧، فَإِنْ لَمْ تَجِدْهُ^٨ فَطِيبًا غَيْرَهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْهُ^٩ فَطِيبًا، فَإِنْ لَمْ تَجِدْهُ كَفَى الْمَاءُ.^{١٠}

٦. عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ أَسْمَاءَ سَأَلَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ غُسْلِ الْمَحِيضِ؟ فَقَالَ: «تَأْخُذُ إِحْدَاكُنَّ مَاءَهَا وَسِدْرَتَهَا، فَتَطَهَّرُ فَتُحْسِنُ الطُّهُورَ، ثُمَّ تَصُبُّ عَلَى رَأْسِهَا فَتَذُلُّكُهُ دَلْكًَا شَدِيدًا حَتَّى تَبْلُغَ شُؤْنَ رَأْسِهَا، ثُمَّ تَصُبُّ عَلَيْهَا الْمَاءَ، ثُمَّ تَأْخُذُ فِرْصَةَ مُمَسَّكَةً فَتَطَهَّرُ بِهَا» فَقَالَتْ أَسْمَاءُ: وَكَيْفَ تَطَهَّرُ بِهَا؟ فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، تَطَهَّرِينَ بِهَا» فَقَالَتْ عَائِشَةُ: كَأَنَّهَا تُخْفِي ذَلِكَ تَتَّبَعِينَ أَثَرَ الدَّمِ، وَسَأَلْتُهُ عَنْ غُسْلِ الْجَنَابَةِ؟ فَقَالَ: «تَأْخُذُ مَاءً فَتَطَهَّرُ فَتُحْسِنُ الطُّهُورَ أَوْ تُبْلِغُ الطُّهُورَ، ثُمَّ تَصُبُّ عَلَى رَأْسِهَا فَتَذُلُّكُهُ حَتَّى تَبْلُغَ شُؤْنَ رَأْسِهَا، ثُمَّ تُفِيضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ» فَقَالَتْ عَائِشَةُ: نِعَمَ النِّسَاءِ نِسَاءُ الْأَنْصَارِ لَمْ يَكُنْ يَمْنَعُهُنَّ الْحَيَاءُ أَنْ يَتَفَقَّهْنَ فِي الدِّينِ. مسلم ٣٣٢

أسماء از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد غسل حیض پرسید. ایشان فرمودند: یکی از شما آب و برگ درخت سدر (حکم صابون و شامپوهای امروزی داشت) را می‌گیرد و (خود را) خوب پاک می‌کند سپس بر سرش می‌ریزد و خوب مالش می‌دهد تا این که به اصول و ریشه‌های موهایش برساند. سپس بر سرش آب می‌ریزد. سپس قطعه‌ای آغشته به مسک برمی‌دارد و خود را با آن پاک می‌کند. أسماء گفت: چگونه خود را با آن پاک می‌کند؟ ایشان فرمودند: خود را با آن پاک می‌کنی. عایشه آهسته به او گفت: ردّ خون را دنبال می‌کنی (کنایه از: پنبه‌ی آغشته به مسک را در فرج قرار می‌دهی). و از ایشان در مورد غسل جنابت پرسید. ایشان فرمودند: یکی از شما آب را می‌گیرد و (خود را) خوب پاک می‌کند سپس بر سرش می‌ریزد و خوب مالش می‌دهد تا این که به اصول و ریشه‌های موهایش برساند. سپس بر سرش آب می‌ریزد. عایشه گفت: زنان انصار چه خوب زنانی‌اند که حیا، آنان را منع نمی‌کرد که در دین بیاموزند.

٧. تُتْبَعُ: ملحق می‌کند، پیوست می‌دهد. أَثَرُ: رد پا، نشانی، باقی مانده از چیزی. فِرْصَةَ:

قطعه.

و در (غسل) حیض، اثر خون را با قطعه‌ای (از پنبه‌ی، آغشته به) مسک ملحق می‌کند؛ اگر آن را نیافت، بوی خوشی غیر از آن (قرار می‌دهد)؛ اگر آن را نیافت، گِل (قرار می‌دهد)؛ اگر آن را نیافت، آب کفایت می‌کند.

وَالْوَاجِبُ مِنْهُ شَيْئَانِ: النَّيَّةُ عِنْدَ أَوَّلِ غُسْلِ مَفْرُوضٍ.^۸ وَتَعْمِيمُ شَعْرِهِ وَبَشْرِهِ بِالْمَاءِ،^۹ حَتَّى مَا تَحْتَ قُلْفَةٍ غَيْرِ الْمَخْتُونِ،^{۱۰} وَمَا يَظْهَرُ مِنْ فَرْجِ الثَّيِّبِ إِذَا قَعَدَتْ لِحَاجَتِهَا.

و واجب از غسل، دو چیز است: نیت آوردن هنگام اول شستن واجب؛ و فراگیر کردن مو و پوستش با آب؛ حتی آن چه زیر پوست روی آلت ختنه نشده است (باید آب برساند)؛ و آن چه از شرمگاه بیوه‌زن هنگام نشستن برای قضای حاجتش ظاهر می‌شود (باید آب برساند).

وَلَوْ أَخَذَتْ فِي أَثْنَائِهِ تَمَمَهُ، وَلَوْ تَلَبَّدَ شَعْرُهُ وَجَبَ نَقْضُهُ إِنْ لَمْ يَصِلِ الْمَاءُ إِلَى^{۱۱} بَاطِنِهِ،^{۱۲} وَمَنْ عَلَيْهِ نَجَاسَةٌ يَغْسِلُهَا ثُمَّ يَغْتَسِلُ، وَيَكْفِي لَهَا غَسَلَةٌ فِي الْأَصْح.^{۱۵}

دلیل آن حدیث مسلم ۳۳۲ که هم‌اکنون گذشت.

^۸. در بعضی از نسخه‌ها: «لَمْ تَجِدْ»، بدون هاء، و همچنین در بعدی.

^۹. امور نام برده را انجام می‌دهد تا این که سنت بجا آید و ترک آن مکروه است.

^{۱۰}. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِتْمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. بخاری ۱، مسلم ۱۹۰۷

قطعا اعمال به نیت بستگی دارد.

^{۱۱}. عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَانَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ، بَدَأَ فَعَسَلَ يَدَيْهِ، ثُمَّ يَتَوَضَّأُ كَمَا يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ يَدْخُلُ أَصَابِعُهُ فِي الْمَاءِ، فَيُخَلِّلُ بِهَا أَصُولَ شَعْرِهِ، ثُمَّ يَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثَ غُرْفٍ بِيَدَيْهِ، ثُمَّ يُفِيضُ الْمَاءَ عَلَى جِلْدِهِ كُلِّهِ. بخاری ۲۴۸

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم هرگاه غسل جنابت می‌زد (ابتدا) شروع می‌کرد و دستان خویش را می‌شست، سپس وضو می‌گرفت همانند وضوی نماز. سپس انگشتان خویش را در آب فرو می‌برد و داخل موهای خویش را خلال می‌کرد سپس با سه کف دست پر از آب بر سر خویش می‌ریخت. سپس آب به تمام پوست خویش می‌ریخت.

^{۱۲}. قُلْفَةٌ: پوستی که بر روی سر آلت تناسلی قرار گرفته و هنگام ختنه جدا می‌شود.

الْمَخْتُونُ: ختنه شده.

۱۳. در بعضی از نسخه‌ها: «بَاطِنَهُ»، بدون «إِلَى».

۱۴. عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ أَسْمَاءَ سَأَلَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ غُسْلِ الْمَحِيضِ؟ فَقَالَ: «تَأْخُذُ إِحْدَاكُنَّ مَاءَهَا وَسِدْرَتَهَا، فَتَطَهَّرُ فَتُحْسِنُ الطُّهُورَ، ثُمَّ تَصُبُّ عَلَى رَأْسِهَا فَتَذُلُّكُهُ دَلْكَاً شَدِيداً حَتَّى تَبْلُغَ شُؤْنَ رَأْسِهَا، ثُمَّ تَصُبُّ عَلَيْهَا الْمَاءَ، ثُمَّ تَأْخُذُ فِرْصَةً مُمَسَّكَةً فَتَطَهَّرُ بِهَا» فَقَالَتْ أَسْمَاءُ: وَكَيْفَ تَطَهَّرُ بِهَا؟ فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، تَطَهَّرِينَ بِهَا». مسلم ۳۳۲

أسماء از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد غسل حیض پرسید. ایشان فرمودند: یکی از شما آب و برگ درخت سدر (حکم صابون و شامپوهای امروزی داشت) را می‌گیرد و (خود را) خوب پاک می‌کند سپس بر سرش می‌ریزد و خوب مالش می‌دهد تا این که به اصول موهایش برسد.

عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَانَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ، بَدَأَ فَعَسَلَ يَدَيْهِ، ثُمَّ يَتَوَضَّأُ كَمَا يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ يُدْخِلُ أَصَابِعَهُ فِي الْمَاءِ، فَيُخَلِّلُ بِهَا أَصُولَ شَعْرِهِ. بخاری ۲۴۸

رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه غسل جنابت می‌زد (ابتدا) شروع می‌کرد و دستان خویش را می‌شست، سپس وضو می‌گرفت همانند وضوی نماز. سپس انگشتان خویش را در آب فرو می‌برد و داخل موهای خویش را خلال می‌کرد.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَرَكَ مَوْضِعَ شَعْرَةٍ مِنْ جَسَدِهِ مِنْ جَنَابَةٍ لَمْ يَغْسِلْهَا، فَعِلَ بِهِ كَذَا وَكَذَا مِنَ النَّارِ» قَالَ: عَلِيٌّ، فَمِنْ نَمِّ عَادِيَتْ شَعْرِي، وَكَانَ يَجْرُهُ. ضعيف، ابن ماجه ۵۹۹

کسی که جای یک تار مو از بدنش را از جنابت رها سازد و نشوید در دوزخ با او چنین و چنان کرده می‌شود. علی بن ابی طالب می‌گوید: از آن جا (بود که) با سرم دشمنی کردم. ایشان سر خویش را می‌تراشید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ تَحْتَ كُلِّ شَعْرَةٍ جَنَابَةٌ فَاغْسِلُوا الشَّعْرَ، وَأَنْقُوا الْبَشَرَ». ضعيف، ابوداود ۲۴۸

قطعا زیر هر تار مویی جنابت قرار دارد پس مو را بشوید و پوست را طاهر گردانید.

و اگر در اثنای غسل، بی‌وضو شد غسلش را تکمیل می‌کند. و اگر مویش بافته شده بود باز کردن آن واجب می‌شود اگر آب به داخل آن نمی‌رسد. و کسی که بر (بدن) او نجاست قرار دارد آن را می‌شوید سپس غسل می‌زند. و در قول أضح برای آن دو (یعنی برای نجاست و جنابت)، یک غسل کفایت می‌کند.

اما اگر با موهای بافته شده غسل می‌زند و آب به اصول مو می‌رسد لازم نیست موها را باز کند، دلیل آن:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي امْرَأَةٌ أَشَدُّ ضَفْرَ رَأْسِي فَأَنْقَضُهُ لِغُسْلِ الْجَنَابَةِ؟ قَالَ: «لَا. إِنَّمَا يَكْفِيكَ أَنْ تَحْتِيَ عَلَى رَأْسِكَ ثَلَاثَ حَثِيَّاتٍ ثُمَّ تُفِيضِينَ عَلَيْكَ الْمَاءَ فَتَطْهَرِينَ». مسلم ۳۳۰

ام سلمه می‌گوید: گفتیم: ای رسول خدا! من زنی هستم که موی سرم را محکم می‌بافم. آیا برای غسل جنابت آن را باز کنم؟ فرمود: نه، قطعاً کفایت می‌کند که سه کف دست بر سرت بریزی. سپس بر خودت آب بریزی پس پاک می‌شوی.

امام نووی می‌گوید: حدیث ام سلمه بر این حمل شده که بدون باز کردن موهای بافته شده، آب به تمام موها می‌رسد.

عَنْ عُبَيْدِ بْنِ عَمِيرٍ، قَالَ: بَلَغَ عَائِشَةَ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو يَأْمُرُ النِّسَاءَ إِذَا اغْتَسَلْنَ أَنْ يَنْقُضْنَ رُءُوسَهُنَّ. فَقَالَتْ: يَا عَجَبًا لِابْنِ عَمْرٍو هَذَا يَأْمُرُ النِّسَاءَ إِذَا اغْتَسَلْنَ أَنْ يَنْقُضْنَ رُءُوسَهُنَّ. أَفَلَا يَأْمُرُهُنَّ أَنْ يَحْلِقْنَ رُءُوسَهُنَّ، «لَقَدْ كُنْتُ أَغْتَسِلُ أَنَا وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ إِنَاءٍ وَاحِدٍ. وَلَا أَزِيدُ عَلَى أَنْ أُفْرِغَ عَلَى رَأْسِي ثَلَاثَ إِفْرَاغَاتٍ». مسلم ۳۳۱

به عایشه خبر رسید که عبدالله بن عمرو به زنان دستور می‌دهد هرگاه غسل زدند سرهایشان را باز کنند. پس عایشه گفت: کار ابن عمرو عجیب است که به زنان دستور می‌دهد هرگاه غسل زدند سرهایشان را باز کنند. من و رسول الله صلی الله علیه و سلم از یک ظرف غسل می‌زدیم و از این که سه بار بر سرم آب بریزم، زیادتر انجام نمی‌دادم.

^{۱۵} . در نهاییه و مغنی آمده: زیرا واجب، شستن عضو است و آن هم با یک بار شستن حاصل شده است.

وَلَوْ كَانَ عَلَيْهَا غُسْلٌ جَنَابَةٍ وَغُسْلٌ حَيْضٍ فَأَغْتَسَلَتْ لِأَحَدِهِمَا كَفَىٰ عَنْهُمَا.^{۱۶}

و اگر بر زنی غسل جنابت و غسل حیض بود پس برای یکی از آن دو، غسل زد؛ از آن دو (یعنی از جنابت و حیض، یک غسل) کفایت می کند.

وَمَنْ اغْتَسَلَ مَرَّةً وَاحِدَةً بِنِيَّةِ جَنَابَةٍ وَجُمُعَةٍ حَصَلًا، أَوْ نِيَّةِ أَحَدِهِمَا حَصَلَ دُونَ
الْآخِرِ.^{۱۷}

و کسی که به نیت جنابت و جمعه، یک غسل زد؛ هر دو حاصل می شود. یا به نیت یکی از آن دو (یک غسل زد. برای نیت شده) حاصل می شود به غیر از دیگری (که نیت آن را نکرده است).

فَصْلٌ فِي الْإِغْتِسَالَاتِ الْمَسْنُونَةِ:

يُسْنُ غُسْلُ الْجُمُعَةِ،^{۱۸} وَالْعِيدَيْنِ،^{۱۹} وَالْكُسُوفَيْنِ، وَالِاسْتِسْقَاءِ،^{۲۰} وَمِنْ غُسْلِ
الْمَيْتِ،^{۲۱} وَالْمَجْنُونِ وَالْمُعْمَى عَلَيْهِ إِذَا أَفَاقَا،^{۲۲} وَالْإِحْرَامِ،^{۲۳} وَلِدُخُولِ مَكَّةَ الْمُشْرَفَةِ،^{۲۴}
وَاللُّوقُوفِ بِعَرَفَةَ،^{۲۵} وَبِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ،^{۲۶} وَثَلَاثَةَ لِرْمِي الْجِمَارِ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ.^{۲۸}

^{۱۶} . قیاس بر بی وضویی که اگر متعدد باشد یک وضو لازم می شود. همچنین هر دو حدث اکبر هستند.

^{۱۷} . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. بخاری ۱، مسلم ۱۹۰۷

قطعا اعمال به نیت بستگی دارد.

^{۱۸} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ.

مسلم ۸۴۶

غسل روز جمعه بر هر بالغی حتمی است.

ظاهر این حدیث واجب بودن غسل روز جمعه را می رساند اما حدیث آتی معنای آن را از وجوب خارج ساخته و به سنت مؤکد منتقل می سازد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَوَضَّأَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهَا وَنِعِمَّتْ، وَمَنْ اغْتَسَلَ

فَأَغْتَسَلَ أَفْضَلُ. صحیح، ترمذی ۴۹۷

کسی که روز جمعه وضو گرفت پس به رخصت گرفته است و چه خوب رخصتی است و کسی که غسل زد پس غسل بهتر است.

۱۹. رَوَى مَالِكٌ، عَنْ نَافِعٍ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ كَانَ يَغْتَسِلُ يَوْمَ الْفِطْرِ، قَبْلَ أَنْ يَغْدُوَ إِلَى الْمُصَلَّى. صحيح، الموطأ ۶۰۹

ابن عمر برای عید فطر غسل می‌زد قبل از این که صبح زود به مصلی برود.
 قَالَ الشَّافِعِيُّ: كَانَ مَذْهَبُ سَعِيدٍ، وَعُرْوَةَ فِي «أَنَّ الْغُسْلَ فِي الْعِيدِ سُنَّةٌ أَنَّهُ أَحْسَنُ
 وَأَعْرَفُ وَأَنْظَفُ وَأَنْ قَدْ فَعَلَهُ قَوْمٌ صَالِحُونَ، لَا أَنَّهُ حَتْمٌ بِأَنَّهُ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». معرفه السنن و الآثار للبيهقي ۶۸۰۹

مذهب سعید بن مسیب تابعی و عروه بن الزبیر تابعی در غسل عید که سنت است بدون شک که آن نیکوتر و معروف‌تر و نظیف‌تر است و همانا غسل عید را قومی صالح انجام می‌دادند نه این که حتمی است که سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم باشد.
 ۲۰. غسل دو عید، استسقاء، کسوف و خسوف بر غسل جمعه قیاس گرفته می‌شوند زیرا این موارد از لحاظ اجتماع و ازدحام همانند جمعه هستند.

۲۱. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مِنْ غُسْلِهِ الْغُسْلُ، وَمِنْ حَمَلِهِ الْوُضُوءُ يَعْنِي: الْمَيِّتَ. در صحت این حدیث اختلاف شده، ابن حجر در التلخیص الحبیر ۱۸۲ می‌نویسد: این حدیث بدترین حالت آن حسن است. ترمذی ۹۹۳
 از غسل زدن میت، غسل لازم است و از حمل آن وضو.
 این حدیث به فرض صحت آن بر وجوب غسل دلالت می‌دهد اما حدیث آتی آن را از وجوب خارج نموده به سنت منتقل می‌سازد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ عَلَيْكُمْ فِي غَسْلِ مَيِّتِكُمْ غُسْلٌ إِذَا غَسَلْتُمُوهُ، فَإِنَّ مَيِّتَكُمْ لَيْسَ بِنَجَسٍ فَحَسْبُكُمْ أَنْ تَغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ. حسن.
 المستدرک للحاکم ۱۴۲۶

در غسل میت شما غسلی نیست هرگاه آن را غسل زدید. زیرا میت شما نجس نیست پس کفایت است که فقط دستان خود را بشویید.

عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ نَافِعٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ: كُنَّا نَغْسِلُ الْمَيِّتَ فَمِنَّا مَنْ يَغْتَسِلُ وَمِنَّا مَنْ لَا يَغْتَسِلُ. حافظ در التلخیص الحبیر ۱۸۳ إسناد آن را صحیح دانسته.

ما میت را غسل می‌زدیم پس از ما کسی بود که غسل (خود را) می‌زد و کسی بود که غسل نمی‌زد.

۲۲. قَالَتْ عَائِشَةُ: ثَقُلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «أَصَلَّى النَّاسُ؟» قُلْنَا: لَا، هُمْ يَنْتَظِرُونَكَ، قَالَ: «ضَعُوا لِي مَاءً فِي الْمِخْضَبِ». قَالَتْ: فَفَعَلْنَا، فَأَغْتَسَلَ، فَذَهَبَ لِيُنَوِّءَ فَأَغْمِيَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَفَاقَ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَصَلَّى النَّاسُ؟» قُلْنَا: لَا، هُمْ يَنْتَظِرُونَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «ضَعُوا لِي مَاءً فِي الْمِخْضَبِ» قَالَتْ: فَفَعَدَ فَأَغْتَسَلَ، ثُمَّ ذَهَبَ لِيُنَوِّءَ فَأَغْمِيَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَفَاقَ. بخاری ۶۸۷

بیماری صلی الله علیه وسلم شدت یافت، پس فرمود: آیا مردم نماز گزاردند؟ گفتیم: نه، آنان منتظر شما هستند. فرمود: آب را برایم در ظرف بریزید. ما انجام دادیم پس غسل نمود و خواست که به سختی بلند شود اما بیهوش گشت سپس به هوش آمد پس فرمود: آیا مردم نماز گزاردند؟ گفتیم: نه، ای رسول خدا! آنان منتظر شما هستند. فرمود: آب را برایم در ظرف بریزید. پس نشست و غسل نمود سپس خواست که به سختی بلند شود پس بیهوش گشت سپس به هوش آمد.

جنون بر اِغْمَاءِ قِیَاسِ گرفته می شود.

۲۳. عَنْ خَارِجَةَ بِنِ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَجَرَّدَ لِإِهْلَالِهِ وَاغْتَسَلَ. صحيح، ترمذی ۸۳۰

زید بن ثابت مشاهده نمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت احرام آوردن، لباس را از بر خویش بیرون آورد و غسل نمود.

۲۴. عَنْ نَافِعٍ، أَنَّ ابْنَ عُمَرَ: «كَانَ لَا يَقْدَمُ مَكَّةَ إِلَّا بَاتَ بِذِي طَوًى، حَتَّى يُصْبِحَ وَيَغْتَسِلَ ثُمَّ يَدْخُلُ مَكَّةَ نَهَارًا، وَيَذْكُرُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ فَعَلَهُ». مسلم ۱۲۵۹

ابن عمر هرگز داخل مکه نمی شد مگر که شب در ذی طوی می ماند تا این که صبح می شد و غسل می زد سپس به هنگام روز، وارد مکه می شد و بیان می کرد که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را انجام داده است.

۲۵. سَأَلَ رَجُلٌ عَلِيًّا عَنِ الْغُسْلِ، فَقَالَ: «إِنْ شِئْتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَوْمَ عَرَفَةَ وَيَوْمَ النَّحْرِ، وَيَوْمَ الْفِطْرِ». صحيح. السنن الكبرى للبيهقي ۶۱۲۴

شخصی از علی بن ابی طالب در مورد غسل پرسید، پس فرمود: اگر خواسته باشی روز جمعه و روز عرفه و روز عید قربان و روز عید فطر غسل بزن.

رَوَى مَالِكٌ، عَنْ نَافِعٍ؛ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ كَانَ يَغْتَسِلُ لِإِحْرَامِهِ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ،
وَلِدْخُولِهِ مَكَّةَ، وَلَوْ قَوْفِهِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ. صحيح. الموطأ ۱۱۵۲

ابن عمر برای احرام آوردنش قبل از این که احرام بیاورد و برای داخل شدنش به مکه و بعد از زوال برای ایستادنش در سرزمین عرفه، غسل می‌زد.

^{۲۶}. در نسخه‌های چاپی عمده السالک که امروزه چاپ می‌شوند زیاده‌ی [وَلِلطَّوَّافِ

وَالسَّعِي، وَلِدْخُولِ مَدِينَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] وجود دارد.

اما در پاورقی کتاب عمده السالک، چاپ دارالمنهاج که برای اولین بار با چهارده نسخه‌ی خطی تطبیق داده شده، چنین آمده: در چهارده نسخه‌ای که نزد ما وجود دارد این عبارت یافته نمی‌شود: [وَلِلطَّوَّافِ وَالسَّعِي، وَلِدْخُولِ مَدِينَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] اما در نسخه‌های چاپی که امروزه چاپ می‌شود در آن درج می‌شود.

می‌گوییم: در پنج نسخه‌ی خطی که من در اختیار دارم نیز این سه مورد وجود ندارد.

تحقیق در مورد غسل طواف:

قول جدید امام شافعی بر این است که غسل طواف سنت نیست. امام نووی در منهاج در فصلی که برای غسل‌های حج قرار داده نامی از غسل طواف به میان نمی‌آورد و به تَبَعِ آن، شارحین در تحفه، نه‌ایه و مغنی، سنت بودن آن را نفی نموده‌اند.

تحقیق در مورد غسل برای سعی بین صفا و مروه:

زمانی که تخریج احادیث و دلایل ابوشجاع را انجام می‌دادم در این رابطه به تحقیق پرداختم. نتیجه چنین بدست آمد: در نسخه‌ی مخطوط الف ابوشجاع، نسخه‌های الف و ب شرح ابن قاسم بر ابوشجاع، تحفه اللیب شرح ابوشجاع اثر ابن دقیق العید، النهایه شرح ابوشجاع، حاشیه‌ی قوت الحیب بر ابن قاسم، اقناع اثر خطیب شربینی و شرح نبرای و شرح بجیرمی بر آن (وَلِلسَّعِي) وجود ندارد.

همچنین در کتاب منهاج و شروحات آن: تحفه، نه‌ایه، مغنی، بدایه المحتاج اثر ابن قاضی شهبه، النجم الوهاج اثر دمیری، محاملی در لباب، رافعی در محرر، امام غزالی در وجیز، شیخ الإسلام در منهج، امام نووی در مجموع و امام در الأم به هنگام ذکر غسل‌های حج، از سنت بودن غسل برای سعی بین صفا و مروه نام نبرده‌اند.

تحقیق در مورد غسل زدن برای داخل شدن به مسجد النبوی:

سنت می‌شود: غسل جمعه، و دو عید، و ماه گرفتگی، و خورشید گرفتگی، و طلب باران، و غسل از غسل میت، و دیوانه و بیهوش هرگاه شفا یافتند، و غسل هنگام احرام آوردن، و برای داخل شدن به مکه مشرفه، و برای ایستادن در (سرزمین) عرفه، و سه غسل برای سنگ زدن به ستون‌ها در ایام تشریق.

این غسل، سنت می‌شود زیرا داخل شدن به مدینه برای شتابیدن به مسجد النبی و زیارت رسول الله صلی الله علیه وسلم همانند جمعه، مکانی است که محل اجتماع است. ابن حجر در المنهاج القويم و رملی در نهاییه و خطیب در مغنی و شیخ الإسلام در فتح الوهاب شرح منهج الطلاب و أسنی المطالب شرح روض الطالب و امام نووی در ایضاح و شروانی در حاشیه‌اش بر تحفه سنت بودن آن را تأیید کرده‌اند.

^{۲۷} ابن حجر و رملی و خطیب شربینی در تحفه و نهاییه و مغنی متفق‌اند که غسل زدن برای میت به مزدلفه سنت نیست زیرا به غسل عرفه نزدیک است اما غسل بعد از نصف شب برای وقوف در مزدلفه نزد مشعر الحرام سنت است همان‌گونه که در الأم و منهج آمده و محققین مذهب بر همین رأی رفته‌اند.

^{۲۸} غسل برای سنگ زدن به شیطان‌های سه‌گانه در ایام تشریق به خاطر اجتماع مردم سنت گردیده است اما غسل برای سنگ زدن به جمره‌ی عقبه در روز عید، سنت نگردیده زیرا به غسل عید نزدیک است.